

دکترین خاورمیانه جدید؛ پیامد آن در روز عاشورا

نیز پایگاهی دارد - گفته است: "قاتل شیعه به بهشت و مقتول به جهنم می رود."

برخی کارشناسان سیاسی - امنیتی بر این باورند که القاعده نمی تواند عامل این فاجعه باشد. چرا که اولاً المصعب الزرقاوی - که در اردن زندگی می کند - رهبر القاعده نیست، بلکه به ادعای سرویس های جاسوسی امریکا او فقط یک عضو القاعده می باشد. دوم آن که اگر او زنده است، چرا امریکایی ها با همه سرمایه گذاری ای که علیه تروریسم کرده اند وی را دستگیر نمی کنند و سوم آن که از کجا معلوم که این نامه الکترونیکی، از آن الزرقاوی بوده و رد گم کردن از جانب امریکایی ها نباشد.

چهارم آن که برحسب ادعا، وی یک عضو القاعده می باشد که برای سران القاعده نامه ای نوشته تا موافقت آنها را برای



در روز عاشورای حسینی (۱۳ اسفند ۱۳۸۲) انفجارهایی در شهرهای مقدس عراق (کربلا و کاظمین) رخ داد که بیش از ۲۰۰ نفر از زائران حسینی کشته و چندین برابر این تعداد زخمی شدند و با توجه به عمق فاجعه که احساسات جهانی را جریحه دار کرد و با در نظر گرفتن تنفرآمیز بودن فاجعه و تأثیر فزاینده ای که این فاجعه بر تضادهای قومی - دینی گذاشته که در نهایت می توان آن را هشدار برای جنگ داخلی تلقی کرد (تعویق امضای قانون اساسی نمادی از این تضادها است.) بررسی انگیزه ها و عوارض این فاجعه ضروری به نظر می رسد. همان طور که می دانیم، دستان مرموزی در منطقه نفت خیز خاورمیانه، همیشه در پی قطب بندی های کاذب بین شیعه - سنی، کرد - عرب و... بوده و هستند.

با مشاهده و بررسی تحولات عراق نیز متوجه خواهیم شد که این تضادها رو به افزایش است. هوشیار زیباری - وزیر امور خارجه عراق - پنج عضو شیعه شورای حکومتی عراق را که برای امضای قانون اساسی موقت عراق تقاضای مهلت کرده بودند ایرانی دانسته و به این ترتیب عراقی و غیر عراقی بودن نیز یکی از این تضادها شمرده می شود.

پس از بروز فاجعه عاشورا، شورای حکومتی عراق و برمر حاکم غیرنظامی امریکایی در عراق اعلام کردند که این فاجعه، کار القاعده می باشد. آنها برای اثبات ادعای خویش به نامه شخصی به نام المصعب الزرقاوی اشاره می کردند که مدتی پیش در حافظه رایانه یک شهروند عراقی توسط مقامات امنیتی امریکا به دست آمده بود.

در این میان یک مقام بلند پایه امنیتی امریکا در منطقه اعلام کرد که هدف از عملیات عاشورا - کار هر گروهی که باشد - چیزی جز افزودن بر درگیری های قومی، دینی و بین الجوامع نیست. در جریان ابراز نظر در مورد فاجعه کربلا، برخی علمای شیعه پا را فراتر گذاشته و اهل سنت را در این حادثه مقصر می دانند. به خصوص که یک وهابی عربستانی - که در عراق

عملیات علیه شیعیان عراق جلب کند تا شیعیان به واکنش کور گرفتار شده و بر اهل سنت عراق ضرباتی وارد کنند و آن گاه اهل سنت بیدار گشته بر حقوق خود نایل گردند اما سران القاعده این امر را تأیید کرده اند.

پنجم آن که سازمان القاعده روز چهاردهم اسفند (روز بعد از فاجعه عاشورا) این اتهام را در روزنامه القدس العربی به شدت تکذیب کرده است. جیم والش کارشناس امنیت بین المللی دانشگاه هاروارد گفته است:

حملات روز عاشورا تازه ترین و بدترین و البته نه اولین حمله از سلسله عملیات حقیقتاً نگران کننده است. اگر در این میان گروه ها - شیعیان و سنیان - بخواهند به نیروهای شبه نظامی خود تکیه کنند، فقط یک جرقه لازم است تا جنگ داخلی شروع شود. البته برخی کارشناسان بر این باورند که این فاجعه باعث نزدیکی کردها، اهل سنت و شیعیان می گردد؛ اهل سنت به دلیل کمی تعدادشان ضرورتی نمی بینند که خود را در جنگ داخلی وارد کنند، چرا که از یک سو با اکثریت شیعه روبه رو می شوند و از سوی دیگر با کردهایی که سال ها توسط آنها سرکوب شده اند.

عدنان حسین در مقاله سیزدهم اسفند در الشرق الاوسط آورده است: "عاملان فاجعه کربلا عبارتند از مثلث بقایای صدام، القاعده و تبهکاران"

برخی از شیعیان نیز بر این نظریه پافشاری می‌کنند که منشأ انفجارها، جهادگران خارجی هستند و آمریکا باید به سرکوب آنها بپردازد. در این میان جناح اصلی و فراگیر شیعیان به رهبری آیت‌الله سیستانی، بلافاصله پس از وقوع فاجعه، آمریکا را مقصر دانستند، چرا که معتقد بودند تمهیدات لازم برای حفظ امنیت را در نظر نگرفته است. پیش از این فاجعه، این گروه از شیعیان راهپیمایی یک میلیون نفری منظمی تشکیل دادند که شعارهایشان صرفاً حول مرجعیت دور می‌زد و خواستار برگزاری انتخابات آزاد در عراق و سپس تدوین قانون اساسی توسط نمایندگان منتخبشان بودند. آنان بر این باورند که شورای حکومتی، نمایندگان دستچین شده اشغالگران بوده و نمی‌توانند نماینده واقعی دولت در بند عراق باشند. خطیب نماز جمعه شهر نجف در نخستین نماز جمعه پس از حادثه عاشورا به داستان "هابیل و قابیل" اشاره کرده و گفت: "اگر برادران ما برای کشتن ما دست دراز کنند ما هرگز برای کشتن آنها اقدام نخواهیم کرد" و بدین سان ترفند داستان مرموز را خنثی کرد و آرامش نسبی برقرار گشت. به طوری که صالح بشیر در روزنامه الحیات نوشت: "مقصر اصلی این انفجارها از نظر شیعیان، اشغالگران آمریکایی هستند و بدین وسیله شیعیان نشان دادند که نه تنها اکثریت عددی دارند، بلکه از پختگی سیاسی برخوردارند و قادرند خود را به طایفه‌ای تبدیل کنند که نه تنها عراق را از جنگ داخلی دور نگه دارند، بلکه ضامن همبستگی همه طایفه‌ها، نژادها و ادیان گردند."



با نگاهی گذرا آگاه خواهیم شد که عمده علمای شیعه و سنی، یکپارچه اشغالگران را مقصر دانسته‌اند و این همان موضع ملیون و وطن پرستان عراق است که به چیزی جز استقلال و مبارزه با اشغالگر فکر نمی‌کنند و این نیز مانند آزادی و مبارزه با استبداد صدام برایشان ارزش دارد. صالح بشیر در روزنامه الحیات به تاریخ ۱۷ اسفند موضع گیری شیعیان در برابر فاجعه عاشورا را نمادی از "وحدت ملی" و "موجودیت عراق" دانست و یکی از بهترین رویدادهای عراق پس از اشغال را خودداری شیعیان از نگریدن به جنگ داخلی عنوان نمود.

عبدالکریم العلوچی محقق شیعه، ۳۵ سازمان ضد اشغال را در عراق نام برده و بر این باور است که بید نیست یکی از سازمان‌ها به دلیل همکاری شیعیان با نیروهای اشغالگر، این عملیات ضد انسانی را انجام داده باشد. همچنین ممکن است این عملیات تنش‌هایی ایجاد کند که سبب شود مردم گمان کنند که آمریکا نمی‌تواند امنیت را ایجاد کند. وی

وی همچنین معتقد است که شیعیان تندرو نیز سهمی در این فاجعه داشته‌اند و مکانیزم آن را این گونه بیان می‌کند که "شیعیان به جای ایجاد کار برای بیکاران، غذا برای گرسنگان، جلوگیری از فحشا، استقرار بهداشت و... به فکر قدرت‌نمایی هستند و می‌خواهند از مناسبت تاریخی عاشورا به مانور قدرت بپردازند و تا آنجا که ممکن است شیعیان را به این امر فراخوانند، در حالی که اگر می‌خواهند اکثریت شیعه را اثبات کنند - که این امری است اثبات شده - می‌توانند از روش‌های دموکراتیک استفاده کنند و نیازی به این گونه مانورها نیست."

با این استدلال، شیعه نیازی به خشونت، ایجاد تنش و گل‌آلود کردن آب ندارد و باید عوامل انفجارها را در دست‌های مرموز مشاهده و پیگیری کرد. در این رابطه فهمی هویدی در روزنامه الشرق الاوسط به تاریخ بیست اسفند آورده است که "پس از سقوط صدام، گشوده شدن مرزهای عراق به سوی عناصر موساد اسرائیل را نباید فراموش کرد. آن هم در حالی که بیش از ده هزار نفر مزدور و بیگانه در عراق مشغول به کار هستند."

معتقد است این گروه‌های مقاومت، فضایی را به وجود آوردند که هر کس با اشغالگران مبارزه نکند، میهن پرست نیست. برخی کارشناسان سیاسی معتقدند که امریکای اشغالگر با ایجاد چنین فاجعه‌ای مایل است مردم عراق را به این جمع‌بندی برساند که عقب‌نشینی زودهنگام نیروهای ائتلاف کار نادرستی است و باعث جنگ داخلی خونینی می‌گردد. به خصوص که امریکا بلافاصله عامل این انفجارها را اهل سنت و القاعده دانست. دیدگاه کارشناسی دیگر بر این باور است که اگر با حضور امریکا چنین خشونت‌های خونباری اتفاق افتد، چه تضمینی وجود دارد که فاجعه ادامه پیدا نکند. برخی می‌گویند چون این فاجعه دقیقاً پس از سه ساعت از تصمیم شورای حکومتی مبنی بر امضای قانون اساسی اتفاق افتاد، بنابراین به نوعی واکنش و مخالفت با قانون اساسی بوده و از جانب اسلام‌گرایان القاعده طراحی و اجرا شده، چرا که این قانون اساسی لیبرال‌تر از قانون‌های اساسی دیگر کشورهای اسلامی می‌باشد که آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات و ادیان و اولویت‌بخشیدن به طایفه و یا دیدگاهی نسبت به طوایف و دیدگاه‌های دیگر در آن مدنظر قرار گرفته است.

در نقد این دیدگاه گفته می‌شود برخی معتقدند از آنجا که اسلام به عنوان منبع قانونگذاری در این قانون اساسی به رسمیت شمرده شده، بنابراین اسلام‌گرایان سنتی نیز قادرند قوانین آرث، شهادت، قضاوت زنان، ازدواج، طلاق و دیگر احکام شرع را بر دیگر امور از جمله آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی اولویت بخشند. بر اساس این تحلیل، به نظر می‌رسد که سکولارها از چنین قانونی خشنود نباشند. عده‌ای نیز بر این دیدگاه تأکید می‌ورزند که عاملان انفجار بر آن بوده‌اند که آیت‌الله سیستانی از خواسته‌های دموکراتیک خود یعنی انتخابات آزاد چشم‌پوشی کرده و امریکای غیرمحبوب را به تروریست‌هایی که کمر به قتل همه بسته‌اند ترجیح دهد؛ تروریست‌هایی که با عمل خود پوچ‌گرایی، قطع امید به آینده، ایجاد اختناق و مخدوش کردن قانون اساسی و تبدیل ائتلاف به مشی مطلقاً سرکوب‌گرایانه را به ارمغان خواهند آورد.

برای آن که به تحلیل درستی از وضعیت عراق برسیم، باید از یک‌سو سیاست راهبردی ایالات متحده امریکا را مورد مطالعه قرار دهیم و از سوی

نیز توان بالفعل و بالقوه و شرایط ملت عراق در اشغال را ارزیابی نماییم. همان‌طور که می‌دانیم فرهیختگان امریکایی، اروپایی، شورای امنیت و جمع کنفرانس داووس با حمله امریکا به عراق مخالف بودند و امروز نیز بر همگان روشن شده که بعضی‌های سکولار نه با القاعده رابطه داشته‌اند و نه از سلاح‌های کشتار جمعی بهره‌برده‌اند؛ به قول مایکل مور (برنده جایزه اسکار)، جنگ عراق، یک جنگ واهی بود. در جریان هجوم امریکا به عراق، ژنرال‌های امریکایی به صورت منظم از مقاومت تن به تن سربازان عراقی گزارش می‌دادند و می‌گفتند وقتی عراقی‌ها اسیر می‌شوند، روحیه خود را نباخته و حتی حاضر به مصاحبه نیز نیستند. این ژنرال‌ها اضافه می‌کردند که "دسته‌ها و گردان‌های عراقی بدون هیچ رابطه‌ای با فرماندهان ارشد خود مقاومت می‌کنند و به تدریج ایدئولوژی مقاومت در حال شکل گرفتن است و وضعیت بدان صورت نیست که مردم با گل از تانک‌های ما استقبال

کنند." (روز شمار جنگ، یاس نو ۶ تا ۱۷ آبان ۱۳۸۲ ترجمه لطف‌الله میثمی)

برژیسکی در مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز (۱۸ اسفند) خط‌مشی "طرح خاورمیانه بزرگ بوش برای ایجاد دموکراسی" را در سه محور عمده زیر طبقه‌بندی می‌کند:

- ۱- ایجاد مناطق تجاری آزاد.
 - ۲- تأمین اعتبار مالی برای موسسه‌های تجاری کوچک.
 - ۳- نظارت بر انتخابات در کشورهای منطقه.
- برژیسکی موانع شعار دموکراتیزه کردن خاورمیانه بوش را به شرح زیر ارزیابی می‌کند:

۱- ایجاد دموکراسی در برخی کشورهای منطقه مانند فلسطین و عربستان به نفع امریکا و اسرائیل نخواهد بود، چرا که در این راستا سازمان حماس و فلسطین و هواداران بن‌لادن در عربستان حاکم خواهند شد و نقش میانه‌روهای اصلاح‌طلب نیز در این کشورها کم‌رنگ خواهد شد.

۱می‌توان از دیدگاه برژیسکی چنین استنباط کرد که شعار دموکراسی در عراق نیز به نفع امریکا و اسرائیل نخواهد بود، چرا که از منظر آنها بنیادگرایی شیعه اکثریت آرا را کسب خواهد کرد و این مسئله‌ای است که در نهایت به اتحاد استراتژیک ایران و عراق خواهد انجامید و مقامات اسرائیل روی این مسئله بسیار حساس هستند. در سال ۱۹۹۱ که صدام با قیام مردمی کردها، شیعیان و اهل سنت روبه‌رو شد، اسرائیل به امریکا اولتیماتوم داد که مبادا صدام ساقط گردد و امپراتوری شیعه به عنوان پشت جبهه جنگ علیه اسرائیل ایجاد گردد (نقل از امیر طاهری). شهید شیخ احمدیاسین نیز پیشتر گفته بود که اگر دو ملت و دو دولت ایران و عراق متحد شوند کار اسرائیل تمام است.

۲- از نظر ملت‌های عراق و فلسطین که تحت اشغال امریکا و اسرائیل می‌باشند، دموکراسی بوش برایشان جذابیت آنچنانی ندارد، چرا که آنها در وهله نخست به استقلال و حاکمیت ملی می‌اندیشند و در وهله دوم در پرتو استقلال به دموکراسی.

۳- طرح دموکراسی وارداتی بوش با فرهنگ مردم منطقه به خصوص عربستان و مصر هماهنگی ندارد و با واکنش‌هایی روبه‌رو خواهد شد.

۴- حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر که هم‌پیمان غرب و اسرائیل است نه تنها با طرح خاورمیانه بزرگ مخالفت کرد، بلکه آن را توهم دانسته است.

۵- طرح بوش با بدگمانی شدید عرب‌ها و اروپایی‌ها روبه‌رو گشته به طوری که از خود می‌پرسند: چرا امریکا به‌طور ناگهانی به فکر دموکراسی برای منطقه افتاد و این سوءظن وقتی افزایش می‌یابد که امریکا مایل نیست در عراق و فلسطین، دموکراسی به معنای رأی اکثریت را برقرار نماید. آنگاه برژیسکی به شرح دیدگاه‌های راهبردی خود می‌پردازد و "چه باید کرد" را مطرح می‌کند. وی معتقد است:

۱- هم کشورهای اروپایی و هم کشورهای عربی در طرح خاورمیانه باید لحاظ گردند.



البته با آنچه در فلوچه گذشت بهتر می‌توان نسبت به روند حوادث عراق قضاوت کرد.

۲- مسائل منطقه در کشورهای گروه هشت حل و فصل شود.
 ۳- به جای دگرگونی اجتماعی که بوش مطرح می‌کند، باید تجدید حیات اجتماعی مدنظر قرار گیرد. [با توجه به وضعیت بحرانی عراق]
 ۴- قرارداد اساسی صلح برای خاورمیانه مطرح و مجدانه پیگیری شود.
 ۵- پرهیز از عمده کردن شعار دموکراسی و این که با تأکید روی قانون اساسی که در پرتو آن بنیادگراها (مانند فلسطین، عراق و عربستان) که اکثریت را تشکیل می‌دهند، نتوانند به منطقه شکل بدهند و دیدگاه‌های خود را حاکم گردانند.

به نظر می‌رسد بحران کنونی عراق در آن است که بوش از یک سو شعار دموکراسی در خاورمیانه نو را عمده کرده و از سویی با دیدگاه آیت‌الله سیستانی مبنی بر انتخابات آزاد و سپس تدوین قانون اساسی مخالفت می‌ورزد. آیت‌الله سیستانی معتقد است که امریکا در یک جنگ واهی عده‌ای را دستچین و حتی اجبر کرده تا از این طریق مناسبات جامعه را به نفع خود تعریف نموده و با حاکم کردن این مناسبات، به قانون اساسی و جامعه شکل دهد. نئوکان‌ها این شیوه را "حکومت‌سازی" می‌نامند که در مقاله "عراق و مقوله حکومت‌سازی" ترجمه از نشریه فارن پالیسی در شماره ۲۰ نشریه چشم‌انداز ایران (خرداد و تیر ۱۳۸۲) به آن اشاره شده است.

کتاب همه مردان شاه

(All The Shah's Men)

[از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۱ سپتامبر

۲۰۰۱] نوشته استیفن کینزرتوسط نشر

"صمدیه" منتشر شد.